

تقطیع حدیث (ارزیابی تقطیع در الجامع الصغیر)

مصطفی همدانی^۱

(تاریخ دریافت مقاله: ۹۴/۳/۳۰ - تاریخ پذیرش نهایی: ۹۴/۸/۱۳)

چکیده

الجامع الصغیر سیوطی، یکی از جوامع روایی معروف اهل سنت است که با روش معجم‌نگاری الفبایی (بر حسب ابتدای روایات) تدوین شده است. این تحقیق به بررسی میزان روشمندی کتاب مذکور در تقطیع روایات پرداخته است. پژوهش حاضر، با روش تحلیل محتوای کمی و بر اساس نمونه‌ای که به روش سیستماتیک و طبقاتی تهیه شده، به بررسی ۴۰۰ روایت از روایات این کتاب پرداخته و طبق قوانین علم احتمال، نتایج آن را با خطای پنج درصد به کل کتاب تعمیم داده است. نتایج نشان داده این کتاب، در ۱۷/۳ درصد موارد به تقطیع روایات دست زده و در ۸۲/۷ درصد موارد، روایات را تقطیع نکرده است. همچنین، در موارد تقطیع، در ۷۲/۵ درصد تقطیع درست (غیر مُخَلّ به معنا) و در ۲۷/۴ درصد موارد تقطیع نادرست وجود دارد. همچنین گونه‌های تقطیع نادرست و درصد هریک نیز به تفصیل و با ذکر نمونه‌هایی از هر گونه، و نیز استدلال بر وجه نادرستی آن، بررسی شده است.

کلیدواژه‌ها: تقطیع، الجامع الصغیر، سیوطی، معجم‌نگاری.

۱. مقدمه: سیوطی و الجامع الصغیر

جلال‌الدین عبدالرحمن سیوطی، عالم شافعی قرن نهم و دهم [۱۴، ج ۱، ص ۵۹۷] و یکی از حدیث‌دانان و کاوشگران اخبار و آثار است. تألیف ششصد جلد کتاب و رساله کوچک و بزرگ در حوزه‌های گوناگون ادبی و فقهی و اصولی و تفسیری و حدیثی و ... به شکل مطبوع یا مخطوط [۱۸، صص ۳۸۱-۴۱۳] از تلاشگری او حکایت دارد. از جمله تألیفات وی در حوزه حدیث، کتاب *الجامع الصغیر* است. این کتاب، خلاصه‌ای از روایات منتخب سیوطی است که آن را از کتاب حدیثی بزرگ خود یعنی *الجامع الکبیر* (جمع الجوامع) برگزیده است [۱۴، ج ۱، ص ۵۹۷؛ ۴۶، ج ۱، صص ۲۳ و ۲۴].

مؤلف *الجامع الصغیر*، در ابتکاری جالب نوعی کوتاه‌نویسی را با استفاده از ظرفیت معجم‌نگاری^۱ درهم آمیخته و با تدوین احادیث بر اساس الفبا و طبق حرف آغازین حدیث اثری مهم پدید آورده است. این کتاب، مورد توجه حدیث‌پژوهان متأخر از سیوطی قرار گرفته و به عنوان یک متن روایی آن را شرح و تفسیر کرده‌اند. برخی از شروح مهم *الجامع الصغیر* عبارت‌اند از: شرح شمس‌الدین محمد علقمی شافعی از شاگردان سیوطی با نام *الکوکب المنیر، الاستدراک النضیر علی الجامع الصغیر*، اثر احمد بن محمد مَثْبُولی، فیض‌التدیر تألیف عبدالرئوف مناوی شافعی [۱۴، ج ۱، ص ۵۶۰]، *السراج المنیر: شرح الجامع الصغیر فی حدیث البشیر النذیر*، اثر علی بن احمد عزیز [۳۵، ج ۱، ص ۳۲۹] و *التنویر (شرح الجامع الصغیر)* تألیف محمد بن اسماعیل کحلانی.

بی‌تردید، سیوطی نیز مانند بسیاری از مدونان حدیث، دست به تقطیع روایات زده، به ویژه اینکه وی ملزم بوده است روایات را بر حسب الفبا عرضه کند و این الزام، محدودیت‌هایی برای او ایجاد کرده و گونه‌هایی خاص از تقطیع را بر او تحمیل کرده است [۴۵، ص ۱۳۶]. در اینجا این سؤال مهم مطرح است که سیوطی تا چه اندازه در تقطیع روایات موفق بوده و چه اندازه بر حسب قواعد علمی تقطیع - که در مبانی نظری توضیح داده خواهند شد - عمل کرده است؟ ممکن است در بدو امر چنین به نظر آید که وی در نقل روایات و تقطیع در موارد ضروری، دقت بسیار بالایی دارد زیرا در برخی موارد، اختلاف موجود در منابع را هم گزارش کرده است؛ مثلاً در پاورقی روایت «كُنْ فِي

۱. معجم‌نویسی، یکی از شیوه‌های تدوین حدیث است که بر اساس حروف الفبا و طبق نام راویان، شهرها، صحابه و امثال آن نوشته می‌شود. المعجم الکبیر طبرانی بر اساس الفبا و طبق اصحاب است و المعجم الاوسط طبرانی بر اساس الفبا و طبق مشایخ است. یا ابن عساکر که معجم البلدان را بر اساس شهرها نوشته است [۳۹، ج ۱، صص ۱۳۵-۱۳۷].

الدنیا کَأَنَّكَ غَرِيبٌ أَوْ عَابِرٌ سَبِيلٍ^۱ للبخاری عَنْ أَبِي عَمْرٍ» افزوده است: «زَادَ أَحْمَدُ فِي مَسْنَدِهِ وَالتِّرْمِذِيُّ وَابْنُ مَاجَةَ: وَعَدَّ نَفْسَكَ مِنْ أَهْلِ الْقُبُورِ^۲» [۲۶، ج ۲، ص ۲۹۶]. این میزان حساسیت در نقل، خواننده را به سمت اعتقاد به دقت زیاد سیوطی در تدوین مجموعه *الجامع الصغیر* سوق می‌دهد اما حقیقت این است که این باور نادرست است و سیوطی در تقطیع‌های خود اشتباه‌های زیادی را مرتکب شده است.

این نوشتار، با انتخاب نمونه‌ای مشتمل بر ۴۰۰ روایت از کل کتاب *الجامع الصغیر* که بر اساس قواعد علم «احتمال» انتخاب شده است و با استفاده از روش «تحلیل محتوای کمی مقوله‌ای»، به ارزیابی *الجامع الصغیر* از نظر روش تقطیع روایات می‌پردازد تا میزان تقطیع، انواع و گونه‌های مختلف آن را از جمله تقطیع درست (غیر مخلّ به معنا) و تقطیع نادرست (مخلّ به معنا) و همچنین محدودیت‌های تحمیل شده از روش خاص مؤلف در معجم‌نگاری (الفبایی) بر تقطیع و آثار آن را در تقطیع روایات معین کند. در این تحقیق، همه ۴۰۰ روایت نمونه را با تطبیق بر مصادر آن‌ها (مصادری که سیوطی به آن‌ها ارجاع داده است و نسخه آن‌ها موجود بوده و روایت سیوطی نیز در آن‌ها یافت شده است) مورد تحلیل قرار داده‌ایم.

نتایج حاصل از این نمونه، بر اساس مبانی علم احتمال و با خطای مشخص که در مبانی روش‌شناختی و نیز در نتیجه‌گیری بیان خواهد شد، قابل تعمیم به کل جامعه آماری است و بر اساس آن می‌توان در مورد کل کتاب *الجامع الصغیر* قضاوت نمود و میزان تقطیع را در آن ارزیابی کرد.

۲. پیشینه تحقیق

شارحان *الجامع الصغیر*، اولین کسانی هستند که در مورد تقطیع‌های نادرست سیوطی بر وی خرده گرفته‌اند. در اینجا به نمونه‌هایی از نظرات دو شارح مهم این کتاب اشاره می‌کنیم:

الف) انتقادهای مناوی بر روش سیوطی در تقطیع

سیوطی روایتی را به این شکل نقل کرده است که «لَوْ تَعَلَّمُونَ مَا أَعْلَمُ لَضَحِكْتُمْ قَلِيلًا

۱. در دنیا مانند ساکنان غریب و ناآشنا با اهل شهر یا مانند رهگذران باش.

۲. احمد در مسند و ترمذی و ابن ماجه افزوده‌اند: و خود را از مردگان به حساب آور، یعنی خود را به مرگ نزدیک ببین.

وَلَبَكَيْتُمْ كَثِيرًا، وَ لَمَّا سَأَع لَكُمْ الطَّعَامَ وَ لَا الشَّرَابَ^۱) و مناوی در شرح آن می‌گوید اصل این حدیث به طور کامل در نزد حاکم نیشابوری است و چنین است: «عَنْ أَبِي ذَرٍّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، قَالَ: لَوْ تَعَلَّمُونَ مَا أَعَلَّمُ لَضَحَكْتُمْ قَلِيلًا وَلَبَكَيْتُمْ كَثِيرًا، وَ لَمَّا سَأَع لَكُمْ الطَّعَامَ وَ لَا الشَّرَابَ، وَ لَمَّا نِمْتُمْ عَلَى الْفُرُشِ وَ لَهَجَرْتُمْ النِّسَاءَ، وَ لَخَرَجْتُمْ إِلَى الصُّعَدَاتِ تَجَارُونَ وَ تَبْكُونَ وَ لَوَدِدْتُ أَنَّ اللَّهَ خَلَقَنِي شَجَرَةً تُعْضَدُ^۲». سپس مناوی اعتراض می‌کند که نمی‌دانم چرا سیوطی حدیث را به طور کامل نقل نکرده است [۴۶، ج ۵، ص ۳۱۶].

مناوی، در پاره‌ای از موارد، تقطیع‌های الجامع/الصغیر را مشخص کرده اما بدون تحلیل درستی یا نادرستی تقطیع، از آن عبور کرده است [به عنوان مثال: ۴۶، ج ۱، صص ۱۱۳، ۲۳۶، ۳۵۷، ۴۹۱]. وی در مواردی هم بر مؤلف خرده گرفته و شیوه سیوطی را در تقطیع «سوءالتصرف» به معنای تصرف نادرست [۴۶، ج ۳، ص ۴۰۲] و «غیرجید» به معنای نازیبا [همان، ص ۵۶۴] و «غیرمرضی» به معنای ناپسند [همان، ص ۵۶۹] و «لا ینبغی» به معنای ناشایسته [۴۶، ج ۴، ص ۳۹۱] نامیده است.

ب) انتقادات کحلانی بر روش سیوطی در تقطیع

کحلانی نیز موارد متعددی از تقطیع‌های سیوطی را استخراج کرده است [رک: ۳۷، ج ۵، صص ۱۲۰، ۲۸۷، ۳۷۶؛ ج ۶، صص ۱۳۹، ۱۶۶؛ ج ۸، ص ۵۲؛ ج ۹، ص ۲۳۸؛ ج ۱۰، صص ۱۳ و ۳۵۷] و به ندرت بر آن‌ها خرده می‌گیرد [۳۷، ج ۵، ص ۳۰۳؛ ج ۸، ص ۳۶۶].

۳. چارچوب نظری

چارچوب نظری این تحقیق، عبارت است از نظریه «تقطیع الحدیث» که در منابع دانش «درایة الحدیث» مطرح شده است. تقطیع که «اختصار الحدیث» هم نام دارد [۲۸، صص ۲۶۳؛ ۲۹، ص ۵۳۸]، عبارت است از نقل کردن تگه‌ای از روایت بدون تکه دیگر آن [۳، ص ۳۹۹؛ ۲۶، ص ۵۳۸]. روایت‌های صادره از معصومان^(ع)، گاهی کوتاه و منحصر در یک مضمون خاص و گاهی بلند و درازدامن و دارای مضامین متعدد هستند. بسیاری از

۱. اگر دانش مرا داشتید، کمتر می‌خندیدید و بیشتر می‌گریستید و غذا و آب گوارایتان نمی‌شد.

۲. اگر دانش مرا داشتید، کمتر می‌خندیدید و بیشتر می‌گریستید و غذا و آب گوارایتان نمی‌شد و هرگز در رختخواب نمی‌خوابیدید و لذت‌های زناشویی را رها کرده و به درب خانه و کوچه‌ها ریخته و به درگاه خدا ناله می‌کردید. به خدا سوگند هرآینه دوست داشتم خدا مرا درختی می‌آفرید که بریده می‌شد.

روایات دارای موضوعات گوناگون هستند و راوی و محدث که موضوعی مشخص را در نظر دارد، ناچار است حدیث را تقطیع کند تا هم از افزایش بی‌جهت حجم متن جلوگیری کند و هم مطلب محوری مورد نظر خود را به خواننده معرفی کند. بنابراین، چاره‌ای از تقطیع نیست و مخالفت با این روش، مخالفت با منطق پژوهش در حدیث است [۳۱، صص ۳۸۵-۳۸۶]. اما این انگیزه مثبت، تنها دلیل وجود تقطیع نیست بلکه انگیزه‌های درست و نادرست دیگر چون اثبات اعتقادات کلامی و نیز پوشاندن حقیقت و تحریف و گمراه‌سازی و انحراف‌افکنی نیز در تقطیع احادیث تاثیرگذار بوده است [نک: ۴۵، صص ۱۲۸-۱۳۶]. در هر صورت، تقطیع به طور رسمی از قرن دوم در میان فقهای شیعه و سنی آغاز شده است [نک: ۴۵، صص ۱۲۱-۱۲۴]. و ائمه حدیث فریقین همگی دست به تقطیع روایات زده‌اند [۲۸، صص ۲۶۴؛ ۴۱، ج ۳، صص ۲۵۷].

برخی حدیث‌پژوهان، تقطیع روایات را مطلقاً منع کرده‌اند و برخی مطلقاً آن را مجاز دانسته‌اند و برخی به شرط این که مؤلف و یا غیر او روایت را کامل نقل کرده باشد، تقطیع را مجاز دانسته‌اند [۲۷، صص ۵۳۸؛ ۲۸، صص ۲۶۴]؛ اما حق این است که اگر فقدان متروک سبب اختلال در معنی حدیث نشود، یعنی فرد تقطیع‌کننده آگاه به حدیث باشد و بداند آنچه ذکر نکرده ربطی به آنچه ذکر کرده ندارد و مانند استثنا و شرط و غایت و ... نباشد تا اختلال در معنا به وجود بیاید، تقطیع مجاز است [۲۷، صص ۵۳۸؛ ۲۸، صص ۲۶۴]. به بیان برخی دیگر، تقطیع در جایی مجاز است که روایتی متضمن دو یا چند حکم باشد و اجزای روایت در آن ربطی به هم نداشته باشند [۱۹، صص ۱۹۳؛ ۴۸، ج ۳، صص ۴۷۲] و در یک جمله تقطیع باید به گونه‌ای انجام شود که تمام قرائن موجود در متن اصلی که در فهم مطلب تاثیر دارد، در متن جدید موجود باشد [۳۱، صص ۳۸۵-۳۸۶].

اما تقطیع نادرست، از اسباب اختلاف بین روایات [۱۷، صص ۲۹] و نیز یکی از آسیب‌هایی است که می‌تواند موجب اشکال در فهم حدیث شود [۳۴، ج ۱، صص ۹۴-۹۵؛ ۵۲، ج ۴، صص ۳۵۲] این تقطیع به ویژه اگر با حذف قرائنی چون پرسش و اسباب صدور و فضای صدور حدیث همراه باشد، متن را دچار آسیب می‌کند [۴۳، صص ۱۲۱ و ۲۳۱]، زیرا در بسیاری از موارد، قرائن حالی و مقالی موجود در ابتدای روایت که در اثر تقطیع حذف شده‌اند، می‌تواند موجب عمومیت یافتن یا خصوصیت یافتن سخن معصوم^(ع) شود [۴۳، صص ۱۲۱]. به همین جهت سیوطی نیز معتقد است سبب صدور حدیث امری مهم است و مانند سبب نزول قرآن در حکم اثر دارد و از این رو در نقل حدیث باید مورد اعتنا باشد [۲۷، ج ۲، صص ۹۲۸-۹۲۹].

۴. مبانی روش‌شناختی تحقیق

این مبانی در چند محور به شرح زیر تبیین می‌شوند:

۴.۱. نوع و روش تحقیق

این تحقیق از نوع توصیفی - تحلیلی است، یعنی علاوه بر تصویر آن چه هست، به دلایل چگونه بودن و چرایی وضعیت مسئله و ابعاد آن می‌پردازد [۱۵، صص ۵۹-۶۰] و به روش تلفیقی (کتابخانه‌ای - تحلیل محتوای کمی) انجام گرفته است زیرا به باور روش‌شناسان، باید تا حد ممکن از روش‌های کیفی نیز برای تکمیل تحلیل محتوا بهره جست [۴۰، صص ۲۴۲] تا نقاط ضعف هر یک توسط دیگری پوشیده شود [۳۶، صص ۴۳].

روش کتابخانه‌ای^۱ از آغاز تا انتها مبتنی بر مطالعه کتب و اسناد است و با ابزارهایی مانند فیش و جدول و فرم و ... به کمک استدلال عقلی به تحقیق می‌پردازد [۱۵، صص ۱۶۴-۱۷۲]. در تحقیق حاضر، از این روش در تولید چارچوب نظری و نیز بررسی یافته‌های تحقیق در بخش دوم یافته‌ها استفاده شده است.

تحلیل محتوای کمی^۲ یک فن پژوهشی برای توصیف نظام مند (سیستماتیک) و تکرارپذیر محتوا بر اساس ارزش‌های عددی و روش‌های آماری [۲۳، صص ۲۵؛ ۸، صص ۱۹] و دارای تکنیک‌های مختلف است. آنچه در اینجا انجام می‌گیرد، تحلیل محتوای مقوله‌ای، یعنی شمارش اجزای محتوا بر اساس تجزیه به مقولات است [۲۴، صص ۱۱۲]. در تحقیق حاضر، از این روش در بخش اول یافته‌ها استفاده شده است.

۴.۲. متن مورد بررسی، جامعه و نمونه

متن مورد بررسی و جامعه آماری در این تحقیق کتاب *الجامع الصغیر فی احادیث البشیر /الندیر* است. در این پژوهش، نمونه‌ها به روش تصادفی^۳ انتخاب می‌شوند، زیرا این روش یکی از مطمئن‌ترین روش‌های نمونه‌گیری است [۹، صص ۳۹۸] که در آن تمام اعضای تعریف شده جهت انتخاب شدن شانس برابر دارند [۲۱، صص ۱۱۶] و نتایج این نمونه‌ها قابلیت تعمیم را به کل جامعه مورد نظر دارد [۱۵، صص ۱۲۳]. از انواع روش‌های نمونه‌گیری احتمالی نیز «نمونه‌گیری طبقه‌بندی»^۴ انتخاب شده است. این نمونه‌گیری،

1. Documentary research
2. Content quantitative Analysis
3. random sampling
4. Stratification Sampling

روشی را برای دستیابی به درجه بالاتری از معرف بودن که به معنای کاهش احتمال خطای نمونه‌گیری است به دست می‌دهد [۹، ص ۴۴۷]. علت استفاده از این نمونه‌گیری همگون نبودن ابواب کتاب *الجامع الصغیر* است، زیرا گاهی طبقه‌ای صدها روایت دارد و گاهی چند ده روایت؛ بنابراین نمونه‌گیری ساده و سیستماتیک هیچ‌کدام نمی‌توانند نمونه‌ای معرف و قابل تعمیم به کل جامعه (کل کتاب) ارائه دهند. افزون بر این، در نمونه‌گیری طبقه‌ای «برای هر طبقه می‌توان برآورد جداگانه‌ای از پارامترهای جامعه به دست آورد» [۲۲، ص ۹۳] و «واریانس داخل طبقات از واریانس کل جامعه کمتر است و لذا واریانس نمونه‌گیری طبقه‌ای کوچک‌تر از واریانس نمونه‌گیری تصادفی ساده (با حجم یکسان) و در نتیجه دقت آن بیشتر است» [همان، ص ۹۴].

همچنین در انتخاب افراد هر طبقه، از «نمونه‌گیری منظم»^۱ استفاده خواهد شد. که در آن، هر عنصر k م در کل فهرست انتخاب می‌شود تا در نمونه گنجانده شود و در مواردی دقیق‌تر از نمونه‌گیری ساده است [۹، ص ۴۴۵]. عنصر k م، بر اساس حجم نمونه مشخص می‌شود.

روش‌شناسان، آلفا (α) = سطح خطای نمونه‌گیری) که محقق در نظر می‌گیرد را در سطح اطمینان ۹۵ درصد، و در بازه ۱ تا ۱۰ درصد قابل قبول می‌دانند [۵۴، ص ۷۸] و برخی محققان حتی سطح احتمال خطاپذیری را ۱۰ درصد یا بیشتر منظور می‌کنند [۴۹، ص ۱۱۹]. در این تحقیق، احتمال خطا ۵ درصد و در نتیجه میزان اطمینان، ۹۵ درصد لحاظ شده است و در این سطح اطمینان، ۴۰۰ مورد برای نمونه کافی است [۵۴، ص ۷۸]. از آنجا که جلد اول کتاب دارای ۱۸ باب و جلد دوم دارای ۴۰ باب است، بنابراین در مجموع به نمونه‌گیری در ۵۸ طبقه نیاز داریم. اما از آنجا که تعداد روایات هر طبقه مختلف و گاهی دارای اختلاف زیادی با دیگر طبقات است^۲، سهم هر طبقه به تناسب حجم آن طبقه محاسبه و تخصیص داده شد.

۳.۴. مقوله‌ها، رده‌ها و واحدهای تحلیل

«مقوله» در تحلیل محتوا عبارتست از فضایی که واحدها باید در آن طبقه‌بندی شوند [۱۲، ج ۱، ص ۳۱۶]. مقوله‌ها، یا از طریق طرح‌های استاندارد طبقه‌بندی و یا از طریق روش آزمون و خطا تولید می‌شوند [۵۳، ص ۱۶۱]. مقوله‌ها در این تحقیق (جدول ۱) بر

1. systematic sampling

۲. مثلاً طبقه اول (حرف همزه) ۳۱۱۰ روایت دارد و در مقابل، طبقه دوم (حرف باء) تنها ۷۹ روایت و طبقه سی و دوم (حرف طاء) تنها یک روایت دارد.

اساس مبانی نظری ارائه شده در چارچوب نظری درباره تقطیع و انواع آن ایجاد شده‌اند.

جدول ۱. مقوله‌های تحلیل		
ردیف	مقوله‌های اصلی	مقوله‌های فرعی
۱	تقطیع	تقطیع از اول
		تقطیع از وسط
۲	عدم تقطیع	تقطیع از آخر
		تقطیع از اول و آخر (هر دو با هم)
		تقطیع از وسط و آخر (هر دو با هم)
		تقطیع درست
		تقطیع نادرست
		-

پاره‌ای از مقوله‌ها که همان آثار تقطیع نادرست است نیز با مطالعه افراد نمونه کشف شده‌اند که در بخش دوم یافته‌های تحقیق ارائه خواهند شد.

۴.۴. تعاریف عملیاتی^۱

مقصود از «تعریف عملیاتی» دستورالعمل کدگذاری^۲ است که عبارتست از مشخص ساختن حدود یک متغیر و تعیین حوزه عملیاتی آن و نیز تعیین معیارها و ملاک تجربی و عملی به منظور اندازه‌گیری و سنجش آن متغیر [۴۲، ص ۱۰۵]. اصول کدگذاری در این تحقیق، در دو حوزه است: اول، تعیین تقطیع اول، آخر، وسط یا اول و آخر با هم یا اول و وسط با هم یا وسط و آخر با هم، که بررسی تقطیع در این موارد با مراجعه به منبعی که سیوطی از آن نقل کرده، انجام گرفته است و تشخیص آن آسان است. حوزه دوم، تعیین تقطیع درست و نادرست است که بر اساس الگوی چارچوب نظری تحقیق انجام گرفته است.

۴.۵. روش داده‌آمایی و تجزیه و تحلیل

روش تجزیه و تحلیل داده‌ها در این تحقیق، توصیفی^۳ است و نتایج تحقیق در نمونه را به کمک آمار توصیفی خلاصه می‌کند [۵۴، ص ۱۳۷]. همچنین تحلیل محتوا در این

1. Operational definitions
2. analysis protocol
3. Descriptive Analysis

تحقیق تک‌متغیره با سطح سنجش اسمی است که در آن از توزیع فراوانی^۱ استفاده می‌شود. ساده‌ترین راه تبیین فراوانی نیز جدولی است که سطور آن را حالات متغیرها و یک ستون آن را فراوانی هر حالت از متغیر و یک ستون را هم درصد فراوانی آن حالت تشکیل می‌دهد [۵۴، ص ۱۴۰].

۶.۴. اعتبار و پایایی

اولین منبع تاملین اعتبار این تحقیق، اعتبار صوری^۲ است، بدین معنا که داوران صالح تأیید کنند که یافته‌های تحقیق، جزئی از دانش علمی است [۲۳، ص ۱۵۶]. دومین منبع، استفاده از اعتبار محتوا به معنای توافق درباره محتوای مفهوم مورد سنجش است که درباره مفاهیم علوم اجتماعی نوعاً توافقی وجود ندارد [۵۴، ص ۶۴]، اما اجزای نظریه مورد استفاده در این تحقیق، از مبانی مسلم علم اصول و درایه اتخاذ شده و مورد اتفاق نظر است.

با این حال حتی فرض نرمال نبودن توزیع در جامعه آماری نیز، بر منطق و نتایج این پژوهش خدشه‌ای وارد نمی‌کند زیرا اولاً این نمونه، مناسب‌ترین نوع نمونه تصادفی است و به همین جهت ضعف پراکنش و توزیع (بر فرض وجود) را جبران می‌کند و این نوع جبران، از روش‌های مقبول و شاید منحصر به فرد در نمونه‌گیری است. ثانیاً، میزان خطا در این تحقیق در حد بسیار کم (۵ درصد) است و این مسئله امتیازی مهم در قدرت تعمیم است. ثالثاً، هدف این تحقیق، با پژوهش در علوم اجتماعی تفاوت دارد؛ زیرا در این تحقیق، ارزیابی کتاب جامع/الصغیر از نظر میزان صحت تقطیع مورد توجه است و همین که تعداد قابل توجهی از روایات مورد بررسی قرار گیرد، می‌توان در مورد همه کتاب اظهار نظر کرد و نتایج نمونه مورد بررسی تفصیلی کیفی، برای این اظهار نظر کافی است.

ارزیابی پایایی این تحقیق از طریق آزمون - آزمون مجدد^۳ که یکی از روش‌های بررسی پایایی است [۵۴، ص ۶۲] انجام گرفته و ضریب پایایی با کمک فرمول پای (PI) اسکات [نک: ۲۳، صص ۱۵۰ و ۱۵۱] محاسبه شده است. درصد توافق دو کدگذار در همه متغیرها صد درصد است و شاخص در ارزش ضریب پایایی آن است که از ۷٪+ کمتر نباشد [۲۳، ص ۱۵۱] و از آنجا که نتیجه محاسبه فوق در حد یک است، این تحقیق، پایا است.

1. frequency distribution

2. Face Validity

3. test - retest metod

۵. یافته‌های تحقیق

یافته‌های تحقیق در دو بخش کلی ارائه می‌شوند؛ نخست نگاهی کلی به انواع تقطیع در نمونه و سپس بررسی استدلالی برخی موارد از تقطیع‌های نادرست.

۵.۱. نگاه کلی به انواع تقطیع در نمونه منتخب

از ۴۰۰ مورد افراد نمونه، در مورد ۴۲ روایت قضاوتی انجام نشد زیرا در ۲۷ مورد، کتابی که سیوطی به آن ارجاع داده بود یافت شد اما روایت در آن کتاب یافت نشد و در ۱۵ مورد هم کتاب نایاب بود و یافت نشد؛ مانند *خماسیات* تالیف زاهر بن طاهر و *طب‌النبی* تالیف ابن سنی و با توجه به ۳۵۸ مورد دیگر مشخص شد که در کل نمونه، ۶۲ مورد (حدود ۱۷/۳ درصد) تقطیع وجود دارد. این نتایج در جدول ۲ ارائه شده است. در بین تعداد مواردی که تقطیع (درست یا نادرست) وجود دارد، به طور تقریبی می‌توان گفت^۱ ۵۶/۴ درصد این تقطیع‌ها در ابتدای روایت، ۳۰/۶ درصد در آخر، ۱۱/۲ درصد در اول و آخر (هر دو با هم) و ۱/۶ درصد تقطیع از وسط و آخر (هر دو با هم) وجود دارد. این یافته‌ها در جدول ۳ و نمودار ۱ ارائه شده است.

ردیف	نوع تقطیع	فراوانی	درصد
۱	تقطیع	۶۲	۱۷,۳ %
۲	عدم تقطیع	۳۸	۸۲,۷ %
	مجموع	۳۵۸	۱۰۰ %

ردیف	نوع تقطیع	فراوانی	درصد
۱	تقطیع از اول	۳۵	۵۶,۴ %
۲	تقطیع از وسط	۰	۰ %
۳	تقطیع از آخر	۱۹	۳۰,۶ %
۴	تقطیع از اول و آخر (هر دو با هم)	۷	۱۱,۲ %
۵	تقطیع از وسط و آخر (هر دو با هم)	۱	۱,۶ %
	مجموع	۶۲	۹۹,۸ %

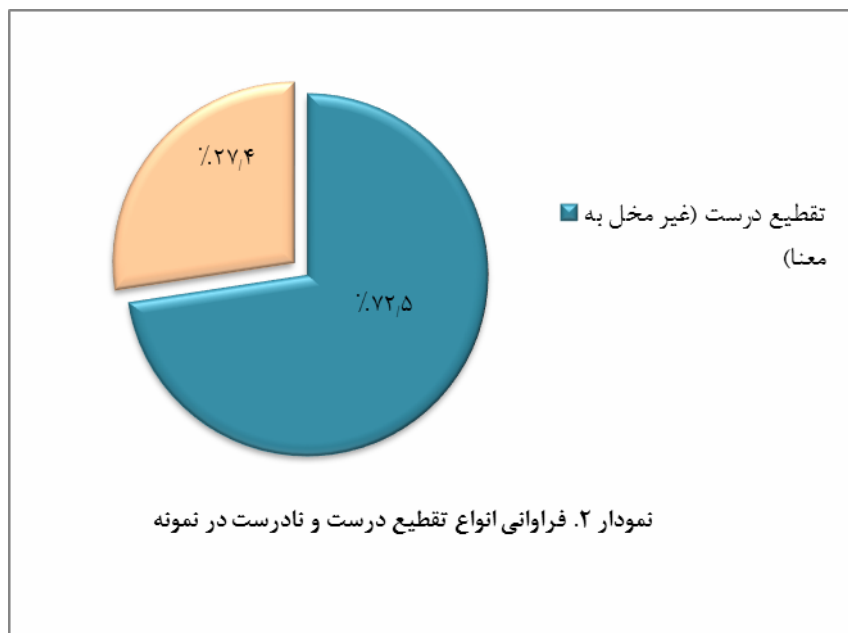
۱. تقریبی بودن اعداد به جهت وجود اعشار و گرد شدن عدد طبق مبانی ریاضی است.



همچنین از این تعداد تقطیع، ۲۷/۴٪ تقطیع نادرست (مخلّ به معنا) و ۷۲/۵٪ تقطیع درست (غیر مخلّ به معنا) وجود دارد. این یافته‌ها در جدول شماره ۴ و نمودار شماره ۲ ارائه شده است.

جدول ۴. فراوانی تقطیع در نمونه منتخب بر حسب نوع تقطیع

ردیف	نوع تقطیع	فراوانی	درصد
۱	تقطیع درست (غیر مخلّ به معنا)	۴۵	۷۲/۵٪
۲	تقطیع نادرست (مخلّ به معنا)	۱۷	۲۷/۴٪
	مجموع	۶۲	۹۹/۹٪



۲.۵. بررسی استدلالی برخی از تقطیع‌های نادرست در نمونه منتخب

در این قسمت از یافته‌ها، برخی روایات موجود در نمونه که به شکلی نادرست تقطیع شده‌اند را با ارائه‌ی اصل آن روایات و استدلال بر وجه نادرستی تقطیع (بر اساس مبانی ارائه شده در چارچوب نظری) مورد بررسی قرار می‌دهیم. این تعداد که مورد بررسی قرار می‌گیرند، بر اساس گونه‌های مختلف تقطیع نادرست در نمونه است و از هر گونه یک یا دو مورد را ارائه خواهیم نمود.

الف) تقطیع نادرست به جهت حذف شرط:

إِذَا ابْتُلِيَ أَحَدُكُمْ بِالْقَضَاءِ بَيْنَ الْمُسْلِمِينَ فَلَا يَقْضِي وَهُوَ غَضْبَانٌ وَلَيْسَ بَيْنَهُمْ فِي النَّظَرِ وَالْمَجْلِسِ وَالْإِشَارَةِ^۱. مسند ابویعلی عن أم سلمة [۲۶، ج ۱، ص ۵۵]. این روایت، تقطیع از آخر دارد و تقطیع موجود در آن نیز مُخَلَّ معنی و حکم است زیرا یکی از شروط قضاوت را حذف کرده و اصل آن چنین است (قسمت محذوف با خط زیر عبارت مشخص شده است): عَنْ أُمِّ سَلَمَةَ زَوْجِ النَّبِيِّ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) قَالَتْ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ

۱. هرگاه فردی از شما به کار قضاوت در جامعه اسلامی گمارده شد، در حال خشم قضاوت نکنند و در نگاه کردن و نشستن و اشاره کردن نیز مراعات مساوات را بنماید.

(صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ): 'إِذَا ابْتُلِيَ أَحَدُكُمْ بِالْقَضَاءِ بَيْنَ الْمُسْلِمِينَ فَلَا يَقْضِ وَهُوَ غَضْبَانٌ، وَلَيْسَ بَيْنَهُمْ فِي النَّظَرِ وَالْمَجْلِسِ، وَالْإِشَارَةِ، وَلَا يَرْفَعُ صَوْتَهُ عَلَى أَحَدِ الْخَصْمَيْنِ فَوْقَ الْآخَرِ' [۷، ج ۱۲، ص ۳۵۶].

ب) تقطیع نادرست به جهت حذف سبب ورود حدیث (سبب موثر در معنا)
 «اسْتَرْقُوا لَهَا، فَإِنَّ بِهَا النَّظْرَةَ^۲ عَنْ أَمِّ سَلَمَةَ فِي صَحِيحِ الْبُخَارِيِّ وَ مُسْلِمٍ» [۲۶، ج ۱، ص ۱۴۹].
 این روایت، تقطیع از اول دارد و تقطیع موجود در آن نیز مُخَلَّ معنی و حکم است زیرا آنچه رسول اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) برای آن دستور به «استرقاء» داده‌اند حذف شده و اصل آن چنین است (قسمت محذوف با خط زیر عبارت مشخص شده است): «عَنْ أُمِّ سَلَمَةَ، رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا: أَنَّ النَّبِيَّ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) رَأَى فِي بَيْتِهَا جَارِيَةً فِي وَجْهِهَا سَفْعَةً، فَقَالَ: 'اسْتَرْقُوا لَهَا، فَإِنَّ بِهَا النَّظْرَةَ'» [۱۱، ج ۷، ص ۱۳۲]. «مسلم: عَنْ أُمِّ سَلَمَةَ، زَوْجِ النَّبِيِّ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ)، أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ)، قَالَ لَجَارِيَةٍ فِي بَيْتِ أُمِّ سَلَمَةَ، زَوْجِ النَّبِيِّ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ)، رَأَى بِوَجْهِهَا سَفْعَةً، فَقَالَ: 'بِهَا نَظْرَةٌ، فَاسْتَرْقُوا لَهَا'»^۳ [۴۴، ج ۴، ص ۱۷۲۵].

ج) تقطیع نادرست به جهت حذف سبب ورود حدیث (سبب موثر در معنا)
 «أَمْلِكُ يَدَكَ^۴ فِي التَّارِيخِ الْكَبِيرِ لِلْبُخَارِيِّ عَنْ أُسُودِ بْنِ أُصْرَمَ» [۲۶، ج ۱، ص ۲۵۲]. این روایت، تقطیع از اول دارد و تقطیع موجود در آن نیز مُخَلَّ معنی است زیرا سوال راوی حذف شده است و اصل آن چنین است (قسمت محذوف با خط زیر عبارت مشخص

۱. هرگاه فردی از شما به کار قضاوت در جامعه اسلامی گمارده شد، در حال خشم قضاوت نکند و در نگاه

کردن و نشستن و اشاره کردن نیز مراعات مساوات را بنماید و بر یکی بیش از دیگری فریاد نکشد.

۲. این فرد، چشم‌زخم خورده است؛ برایش تعویذ بنویسید.

۳. رسول خدا (ص) کنیزی را در منزل ام‌سلمه دیدند که در صورتش «سعفه» [نوعی از لک صورت] است و فرمودند این فرد، چشم‌زخم خورده است؛ برایش تعویذ بنویسید. در مورد سعفه نیز گفته شده است نوعی زخم است بر روی سر [۲، ج ۲، ص ۳۶۸؛ ۶، ج ۳، ص ۷۳؛ ۲۵، ص ۲۹۷] و ممکن است علاوه بر سر، در صورت هم باشد [۳۰، ج ۱، ص ۳۷۲] و برخی گفته‌اند همان داء‌الثعلب است که موهای بدن بر اثر آن می‌ریزد. [۲، ج ۲، ص ۳۶۸] لغت‌شناسان طب عربی معتقدند سعفه نوعی زخم است که می‌تواند در سر یا صورت یا بیخ موها باشد باشد. [۵۱، ص ۲۰۹] و داء‌الثعلب را بیماری دیگری می‌دانند که طی آن همه موهای بدن می‌ریزد.

۴. دست را در کنترل داشته باش.

شده است): «عن أسود بن أصرم المحاربي: قلت يا رسول الله أوصني، قال أملك يدك^۱» [۱۰، ج ۱، ص ۲۴۴].

تعبیر «أوصني» دارای بار معنایی مهمی است و دو کلمه جواب را به یک توصیه بسیار مهم ارتقا می‌دهد زیرا پرسشگر درخواست راهنمایی کرده است و در چنین مقامی، مهم‌ترین مسائل را متذکر می‌شوند.

د) تقطیع نادرست به جهت حذف قید

«تجافوا عن عقوبة ذي المروة^۲. أبو بكر بن المزربان في كتاب المروءة، طبرانی في مكارم الأخلاق عن ابن عمر.» [۲۶، ج ۱، ص ۴۹۸]. نقل طبرانی با نقل سیوطی منطبق است [۳۲، ص ۳۳۳]. اما طبق نقل ابوبکر بن المزربان، این روایت، تقطیع از آخر دارد و تقطیع موجود در آن نیز مغلّ معنا است زیرا قید موجود در کلام پیامبر اکرم^(ص) را حذف کرده و اصل آن چنین است (قسمت محذوف با خط زیر عبارت مشخص شده است): «عن أبي بكر بن حزم قال: قال رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم): تجافوا عن عقوبة ذي المروة ما لم يبلغ حدًا^۳ [۱، ص ۳۱] که با حذف این قید، حکم فقهی مسئله به کلی تغییر می‌کند در حالی که فقهای شیعه و سنی معتقدند حدود الهی برای همه افراد باید اجرا شود و تنها تعزیرات است که در مورد «ذی المروءة» طبق نظر حاکم اجرا نمی‌شود [۸، ج ۱، ص ۳۲۲؛ ۱۰، ج ۵، ص ۲۳؛ ۲۹، ج ۷، ص ۱۶۲]. این گونه تقطیع نادرست یعنی حذف قیود، آثار اسفباری را در مجامع روایی فریقین بر جا گذاشته است. به عنوان مثال محمد بن مارد می‌گوید به امام صادق^(ع) عرض کردم از شما نقل شده است که فرموده‌اید: «إِذَا عَرَفْتَ فَاعْمَلْ مَا شِئْتَ^۴ آیا اگر هر گناهی هم انجام دهند اشکال ندارد؟ آن حضرت فرمودند: «إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ وَاللَّهِ مَا أَنْصَفُونَا أَنْ نَكُونَ أَحَدُنَا بِالْعَمَلِ وَوَضِعَ عَنْهُمْ إِنَّمَا قُلْتُ إِذَا عَرَفْتَ فَاعْمَلْ مَا شِئْتَ مِنْ قَلِيلِ الْخَيْرِ وَكَثِيرِهِ فَإِنَّهُ يُقْبَلُ مِنْكَ^۵» [۳۸، ج ۲، ص ۴۶۴. همچنین نک: ۴۵، ص ۱۳۵].

۱. اسود بن اصرم می‌گوید به پیامبر خدا^(ص) عرض کردم مرا توصیه‌ای فرما. فرمودند: دستت را در کنترل داشته باش.

۲. از مجازات کردن افراد بزرگوار (محترم در جامعه) درگذرید.

۳. از مجازات کردن افراد بزرگوار (محترم در جامعه) درگذرید تا زمانی که به حد شرعی نرسیده باشد.

۴. هرگاه به معرفت [شناخت ولایت اهل بیت^(ع)] رسیدی، هر عملی خواستی انجام ده.

۵. این سخن یک مصیبت است. منصفانه سخن نگفتند؛ زیرا ما خود باید اهل عمل باشیم و آن وقت چگونه آنان به صرف معرفت ما اهل بیت از عمل معاف شوند؟! بلکه من گفته‌ام هرگاه به معرفت [شناخت ولایت اهل بیت علیهم السلام] رسیدی، هر عمل خیری از کم و زیاد خواستی انجام ده که از تو قبول می‌شود.

هـ) تقطیع نادرست به جهت حذف عبارت شارح معنا در کلام راوی

«عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) قَالَ: 'إِنَّ الْعَرَقَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ لَيَذْهَبُ فِي الْأَرْضِ سَبْعِينَ بَاعًا وَإِنَّهُ لَيَبْلُغُ إِلَى أَفْوَاهِ النَّاسِ أَوْ إِلَى آذَانِهِمْ'» [۲۶، ج ۱، ص ۳۱۸]. طبق این روایت، رسول اکرم (ص) در کلام خود شک دارند که در هول روز قیامت آیا عرق به نزدیک دهان مردم می‌رسد یا به نزدیک گوش آنان؟! در صورتی که پیامبر خدا هرگز با چنین ساختاری سخن نگفته‌اند و این تشکیک نیز در کلام راوی است که متأسفانه سیوطی ذیل حدیث را حذف کرده است و اصل آن از صحیح مسلم که قسمت محذوف در آن با خط زیر عبارت مشخص شده، چنین است: «عَنْ ثَوْرٍ عَنْ أَبِي الْغَيْثِ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) قَالَ: 'إِنَّ الْعَرَقَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ لَيَذْهَبُ فِي الْأَرْضِ سَبْعِينَ بَاعًا وَإِنَّهُ لَيَبْلُغُ إِلَى أَفْوَاهِ النَّاسِ أَوْ إِلَى آذَانِهِمْ، يَشْكُ ثَوْرٌ آيَهُمَا قَالَ'» [۴۴، ج ۴، ص ۲۱۹۶].

و) تقطیع نادرست به جهت حذف آغاز و انجام حدیث و معماگونه شدن روایت

«الآنَ حِينَ حَمَى الْوَطِيسُ!» [۲۶، ج ۱، ص ۴۶۹]. این حدیث را سیوطی از مسند احمد و صحیح مسلم (به روایت عباس) و مستدرک حاکم (به روایت جابر) و معجم کبیر طبرانی (به روایت شیبیه) نقل کرده است. در این حدیث، هم تقطیع از اول وجود دارد و هم از آخر و به همین جهت حدیث به نوعی معما تبدیل شده است و شارحان به شرح آن پرداخته‌اند. اصل حدیث که قسمت محذوف در آن با خط زیر عبارت مشخص شده چنین است: قَالَ عَبَّاسٌ: شَهِدْتُ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) يَوْمَ حُنَيْنٍ، فَلَزِمْتُ أَنَا وَأَبُو سَفْيَانَ بْنِ الْحَارِثِ بْنِ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ رَسُولَ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) فَلَمْ نَفَارِقْهُ، وَرَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) عَلَيَّ بَعْلَةٌ لَهُ بِيضَاءُ أَهْدَاهَا لَهُ فِرْوَةٌ بِنُفَاتَةِ الْجُدَامِيِّ، فَلَمَّا انْتَقَى الْمُسْلِمُونَ وَالْكَفَّارُ وَلَّى الْمُسْلِمُونَ مُدْبِرِينَ، ... فَتَنَظَرَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) وَهُوَ عَلَيَّ بَعْلَتَهُ كَأَلْمُتَطَوَّلٍ عَلَيْهَا إِلَى قِتَالِهِمْ، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) 'هَذَا حِينَ حَمَى الْوَطِيسُ' قَالَ: ثُمَّ أَخَذَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) حَصِيَّاتٍ فَرَمَى بِهِنَّ وَجُوهَ الْكَفَّارِ، ثُمَّ قَالَ: 'أَنْهَزَمُوا وَرَبُّ مُحَمَّدٍ ۲'» [۵].

۱. اکنون زمانی است که جنگ شدت گرفته است.

۲. عباس می‌گوید در جنگ حنین من و ابوسفیان بن حارث همراه پیامبر بودم و رهایش نمی‌کردم. آن حضرت بر قاطری سفید که فروه به ایشان هدیه کرده بود سوار بود و وقتی کفار و مسلمانان در جنگ روبه‌رو شدند، مسلمانان فرار کردند و رسول اکرم (ص) که مانند افراد آماده برای حمله بر قاطر خود سوار بود، فرمودند اکنون جنگ شدت گرفته است. سپس مشتی سنگ‌ریزه بر داشته و بر صورت کافران پاشید و فرمود: به خدای محمد قسم که شکست خوردند.

ج ۲، ص ۳۸۲؛ ۱۶، ج ۳، ص ۳۷۰؛ ۴۴، ج ۳، ص ۱۳۹۸] و در نقل طبرانی نیز با تفاوتی اندک، همین توضیح در آغاز و پایان حدیث وجود دارد [۳۳، ج ۷، ص ۲۹۸].

ز) تقطیع نادرست به جهت حذف نکتهٔ مُشعر به اختصاص به مخاطب

«فِي جَهَنَّمَ وَادٍ فِي الْوَادِي بِئْرٌ يُقَالُ لَهُ هَبُّ هَبُّ حَقٌّ عَلَى اللَّهِ أَنْ يُسْكِنَهَا كُلَّ جَبَّارٍ^۱». [۲۶، ج ۲، ص ۲۲۶]. در این حدیث که راوی آن ابوموسی اشعری است و سیوطی آن را از حاکم نیشابوری نقل کرده است، تقطیع از آخر وجود دارد و اصل حدیث که قسمت محذوف در آن با خط زیر عبارت مشخص شده، چنین است: «عَنْ رَسُولِ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) أَنَّهُ قَالَ: فِي جَهَنَّمَ وَادٍ فِي الْوَادِي بِئْرٌ يُقَالُ لَهُ هَبُّ هَبُّ حَقٌّ عَلَى اللَّهِ أَنْ يُسْكِنَهَا كُلَّ جَبَّارٍ فَاتَّقِ اللَّهَ لَا تَسْكُنْهَا^۲» [۱۶، ج ۴، ص ۳۶۸] و با این که حاکم آن را صحیح دانسته است اما برخی چون ابن جوزی آن را جعلی می‌دانند [۴، ج ۳، ص ۲۶۴] و سیوطی هم ذیل آن را نقل نکرده است که احتمال دارد آن تقطیع نادرست و این حکم به جعلی بودن، به جهت ابهام ذیل روایت در مورد ابوموسی و نهیب به وی است و سیوطی هم به جهت اعتقادات خود، این ذیل را درست ندانسته است، همان‌طور که محدث نوری با ادلهٔ خاصی معتقد است برخی بزرگان امامیه نیز ذیل روایاتی را که با اعتقادات شخصی خود متناسب ندیده‌اند حذف کرده‌اند [۵۰، ج ۱۱، ص ۱۶۹].

ح) تقطیع نادرست به خاطر حذف مشارالیه در شناسنامه حدیث

عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ «لَوْ كَانَ الْإِيمَانُ عِنْدَ الثُّرَيَّا، لَتَنَاَلَهُ رِجَالٌ مِنْ هَؤُلَاءِ^۳» [۲۶، ج ۲، ص ۴۳۴]. در این حدیث که سیوطی آن را از صحیح بخاری، صحیح مسلم و سنن ترمذی نقل کرده است، تقطیع از اول وجود دارد و اصل حدیث در صحیح بخاری و مسلم که قسمت محذوف در آن با خط زیر عبارت مشخص شده چنین است: «عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ قَالَ: كُنَّا جُلُوسًا عِنْدَ النَّبِيِّ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ)، فَأَنْزَلَتْ عَلَيْهِ سُورَةُ الْجُمُعَةِ «وَأَخْرَجَ مِنْهُمْ لَمَّا

۱. دره‌ای در جهنم است که در آن دره چاهی به نام «هب هب» وجود دارد و خدای متعال یقیناً هر ستم‌پیشه‌ای [یا متکبری] را در آن جای خواهد داد.

۲. دره‌ای در جهنم است که در آن دره چاهی به نام «هب هب» وجود دارد و خدای متعال یقیناً هر ستم‌پیشه‌ای [یا متکبری] را در آن جای خواهد داد؛ پس تو ای ابوموسی مواظب باش که در آن مأوی نگزینی.

۳. اگر ایمان در ثریا (ستاره‌ای در بلندای آسمان) باشد، مردانی از ایشان به آن دست خواهند یافت.

يَلْحَقُوا بِهِمْ» [الجمعة: ۳]. قَالَ: قُلْتُ: مَنْ هُمْ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ فَلَمْ يُرَاجِعْهُ حَتَّى سَأَلَ ثَلَاثًا، وَفِينَا سَلْمَانَ الْفَارِسِيَّ، وَضَعَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) يَدَهُ عَلَى سَلْمَانَ، ثُمَّ قَالَ: لَوْ كَانَ الْإِيمَانُ عِنْدَ الثُّرَيَّا، لَنَالَهُ رِجَالٌ - أَوْ رَجُلٌ - مِنْ هَؤُلَاءِ^۱» [۱۱، ج ۶، ص ۱۵۱؛ ۴۴، ج ۴، ص ۱۹۷۲]. همچنين اصل حدیث در سنن ترمذی دارای اضافه مذکور به اضافه قسم است: عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ، قَالَ: كُنَّا عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) حِينَ أَنْزَلَتْ سُورَةُ الْجُمُعَةِ فَتَلَاهَا، فَلَمَّا بَلَغَ «وَأَخْرَيْنَ مِنْهُمْ لَمَّا يَلْحَقُوا بِهِمْ» قَالَ لَهُ رَجُلٌ: يَا رَسُولَ اللَّهِ مَنْ هَؤُلَاءِ الَّذِينَ لَمْ يَلْحَقُوا بِنَا؟ فَلَمْ يُكَلِّمْهُ. قَالَ: وَسَلْمَانَ الْفَارِسِيَّ فِينَا. قَالَ: فَوَضَعَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) يَدَهُ عَلَى سَلْمَانَ، فَقَالَ: «وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَوْ كَانَ الْإِيمَانُ بِالثُّرَيَّا لَتَنَاوَلَهُ رِجَالٌ مِنْ هَؤُلَاءِ» [۱۳، ج ۶، ص ۲۱۵].

۶. خلاصه یافته‌ها

گونه‌های مختلف تقطیع در یافته‌های تحقیق در جدول ۵ بر حسب فراوانی هر گونه ارائه شده است.

جدول ۵. فراوانی گونه‌های تقطیع نادرست در نمونه منتخب		
ردیف	نوع تقطیع	فراوانی درصد
	حذف اسباب ورود حدیث (سبب موثر در فهم معنا)	۴ ۲۳/۵٪
	حذف عبارت شارح معنا در کلام راوی	۲ ۱۲٪
	حذف قید (وصف و شرط و استثنا و ...)	۶ ۳۵٪
	حذف آغاز و انجام حدیث و تبدیل شدن حدیث به لغز	۲ ۱۲٪
	حذف مشارالیه در شناسنامه حدیث	۱ ۶٪
	حذف شناسنامه روایت که اشعار به اختصاص به مخاطب دارد	۲ ۱۲٪
	مجموع	۱۷ ۹۹٪

۱. ابوهریره می‌گوید نزد پیامبر خدا نشسته بودیم که سوره جمعه نازل شد که در آن سخن از کسانی است که در آینده به مومنین خواهند پیوست. از ایشان تا سه بار پرسیدم این افراد کیستند که جواب فرمود و در بار سوم دست بر سلمان نهاده و فرمودند: اگر ایمان در ثریا (ستاره‌ای در بلندای آسمان) باشد، مردانی از ایشان به وی دست خواهند یافت.

۷. نتیجه‌گیری

بر اساس یافته‌های این تحقیق با خطای ۵ درصد می‌توان گفت در کل کتاب *الجامع‌الصغیر*، در ۱۷/۳٪ یعنی از ۱۰۰۳۱ روایت در کل این کتاب، حدود ۱۷۳۵ روایت تقطیع شده‌اند؛ و در ۸۲/۷ درصد یعنی حدود ۸۲۹۶ روایت دیگر تقطیعی صورت نگرفته است. همچنین، در موارد تقطیع، در ۷۲/۵٪ یعنی حدود ۱۲۵۸ روایت، تقطیع درست (غیر مخل به معنا) و در ۲۷/۴ درصد موارد، یعنی ۴۷۷ روایت دیگر، تقطیع نادرست انجام گرفته است. در بین گونه‌های تقطیع نادرست، حذف قید با ۳۵ درصد و سپس حذف سبب ورود با ۲۳ درصد دارای بیشترین فراوانی هستند. همچنین حذف عبارت شارح معنا در کلام راوی، حذف آغاز و انجام حدیث و معماگونه شدن روایت، حذف شناسنامه‌ای که اشعار به اختصاص به مخاطب دارد، هر یک با ۱۲ درصد در مرتبه سوم هستند و حذف مشارالیه در شناسنامه حدیث، با ۶ درصد، دارای کمترین فراوانی است. بر اساس این یافته‌ها، کتاب *الجامع‌الصغیر* دارای حجم بالایی از تقطیع و نیز تقطیع نادرست است که شایسته یک جامع روایی نیست آن هم از روایت‌شناسی چون سیوطی که خود عالم به قواعد نقل حدیث است. به همین جهت توصیه می‌شود محققان در استفاده از این منبع احتیاط کرده و مصادر اولیه را مورد بازبینی قرار دهند و به نقل وی اکتفا نکنند.

همچنین سه نتیجه ضمنی نیز در این تحقیق حاصل شده است:

گرچه تحقیق حاضر، ماهیتی موردپژوهانه دارد، اما در پس‌زمینه خود دارای نوعی نگاه ظرفیت‌شناختی عام به ساختار ذاتی معجم‌نگاری الفبایی دارد زیرا معجم‌نگاری سبب می‌شود مؤلف برای گنجاندن روایات در قالب ساختار الفبایی، به تقطیع آن‌ها دست زند و این تقطیع، روایت را از بافت موقعیتی آن جدا می‌کند و در برخی موارد سبب ابهام یا اشکال در معنا و تولید معنایی مغایر با معنای اصلی می‌شود. از آن‌جا که کتاب *الجامع‌الصغیر* برگرفته از کتاب *الجامع‌الكبیر* سیوطی است، می‌تواند در تحلیل آن کتاب هم مفید باشد.

این تحقیق توانسته است روش تحلیل محتوای کمی را در پژوهش‌های حدیثی وارد کند و شایسته است خواننده‌ای که دغدغه روش‌شناسانه دارد، زمینه روشی در این تحقیق را نیز مورد توجه خاص قرار دهد.

منابع

- [۱]. ابن المرزبان، محمد بن خلف، (۱۴۲۰ق). المروعة، چاپ اول، بیروت، دار ابن حزم.
- [۲]. ابن اثیر جزری، مبارک بن محمد، (۱۳۶۷ش). النهایة فی غریب الحدیث و الأثر، چاپ چهارم، قم، موسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.
- [۳]. ابن الصلاح، عثمان بن عبدالرحمن، (؟). مقدمة ابن الصلاح، محقق: د عائشة عبد الرحمن (بنت الشاطی)، قاهره، دار المعارف.
- [۴]. ابن جوزی، جمال الدین عبد الرحمن، (۱۳۸۶ق). الموضوعات، تحقیق: عبد الرحمن محمد عثمان، چاپ اول، مدینه، المكتبة السلفية.
- [۵]. ابن حنبل، أحمد بن محمد، (۱۴۱۶ق). مسند الإمام أحمد بن حنبل محقق: أحمد محمد شاکر، چاپ اول، قاهره، دار الحدیث.
- [۶]. ابن فارس، أحمد بن فارس، (۱۴۰۴ق). معجم مقاییس اللغة، چاپ اول، قم، مکتب الاعلام الاسلامی.
- [۷]. أبو یعلیٰ موصلی، أحمد بن علی، (۱۴۰۴ق). مسند أبی یعلیٰ، چاپ اول، دمشق، دار المأمون للتراث.
- [۸]. ایمان، محمد تقی، نوشادی، محمودرضا، (۱۳۹۰ش). تحلیل محتوای کیفی، دو فصلنامه‌ی «پژوهش»، قم، سال سوم، شماره دوم، پاییز و زمستان.
- [۹]. بی، ارل، (۱۳۷۸ش). تحقیق در علوم اجتماعی، ترجمه رضا فاضل، چاپ پنجم، قم، انتشارات سمت.
- [۱۰]. بخاری، محمد بن اسماعیل، (؟). التاريخ الكبير، حیدر آباد - الدکن، دائرة المعارف العثمانية.
- [۱۱]. بخاری، محمد بن اسماعیل، (۱۴۲۲ق). صحیح البخاری، چاپ اول، بیروت، دار طوق النجاة.
- [۱۲]. بیابانگرد، اسماعیل، (۱۳۸۶ش). روش‌های تحقیق در روان‌شناسی و علوم تربیتی، چاپ دوم، تهران، نشر دوران.
- [۱۳]. ترمذی، محمد بن عیسی، (۱۹۹۸م). سنن الترمذی، بیروت، دار الغرب الإسلامی.
- [۱۴]. حاجی خلیفة، مصطفی بن عبدالله، (۱۹۴۱م). كشف الظنون عن أسامی الكتب والفنون، چاپ اول، بغداد، مكتبة المثنی.
- [۱۵]. حافظ‌نیا، محمدرضا، (۱۳۸۶ش). مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی، چاپ سیزدهم، تهران، انتشارات سمت.
- [۱۶]. حاکم نیشابوری، محمد بن عبد الله، (۱۴۱۱ق). المستدرک علی الصحیحین، چاپ اول، بیروت، دار الكتب العلمية.
- [۱۷]. حسینی سیستانی، علی، (۱۴۱۴ق). الرافد فی علم الأصول، چاپ اول، قم، لیتوگرافی حمید.
- [۱۸]. حمودة، طاهر سلیمان، (۱۴۱۰ق). جلال الدین السیوطی عصره و حیات و آثاره و جهوده فی الدرس اللغوی، چاپ اول، بیروت، المکتب الاسلامی.
- [۱۹]. خطیب بغدادی، احمد بن علی، (؟). الكفاية فی علم الرواية، تحقیق: أبو عبدالله السورقی، إبراهيم حمدي المدني، مدینه منوره، المكتبة العلمية.

- [۲۰]. خطیب شریینی، محمد بن أحمد، (۱۴۱۵ق). مغنی المحتاج إلى معرفة معانی ألفاظ المنهاج، چاپ اول، دار الکتب العلمیة.
- [۲۱]. دلاور، علی، (۱۳۸۶ش). روش‌های تحقیق در روانشناسی و علوم تربیتی، تهران، چاپ دوم، دانشگاه پیام نور.
- [۲۲]. دینانی محمد حسین، (۱۳۸۷ش). گلوگاه‌های پژوهش در علوم اجتماعی، چاپ سوم، مشهد، نشر چاپار.
- [۲۳]. رایف، دانیل و همکاران، (۱۳۸۱ش). تحلیل پیام‌های رسانه‌ای (کاربرد تحلیل محتوای کمی در تحقیق)، ترجمه مهدخت بروجردی علوی، چاپ اول، تهران، انتشارات سروش.
- [۲۴]. رفیع پور، فرامرز، (۱۳۸۲ش). تکنیک‌های خاص تحقیق در علوم اجتماعی، چاپ اول، تهران، شرکت سهامی انتشار.
- [۲۵]. زمخشری، محمود بن عمر، (۱۹۷۹م). أساس البلاغة، بیروت، دار صادر، چاپ اول.
- [۲۶]. سیوطی، عبد الرحمن بن أبی بکر، (۱۴۲۸ش). الجامع الصغیر فی احادیث البشیر النذیر، بیروت، دارالفکر.
- [۲۷]. سیوطی، عبد الرحمن بن أبی بکر، (؟). تدریب الراوی فی شرح تقریب النوای، تحقیق: أبو قتیبة نظر محمد الفاریابی، دار طيبة.
- [۲۸]. شهید ثانی، زین الدین، (۱۳۹۰ش). الرعاية لحال البداية فی علم الدراية (ضمن مجموعه رسائل فی درایة الحدیث)، چاپ چهارم، قم، دارالحدیث.
- [۲۹]. شوکانی، محمد بن علی بن محمد، (۱۴۱۳ق). نیل الأوطار، تحقیق: عصام الدین الصبایطی، چاپ اول، مصر، دار الحدیث.
- [۳۰]. صاحب بن عباد، إسماعیل بن عباد، (۱۴۱۳ق). المحيط فی اللغة، چاپ اول، بیروت، عالم الکتاب.
- [۳۱]. طباطبایی، محمد کاظم، (۱۳۹۰ش). منطق فهم حدیث، چاپ اول، قم، موسسه امام خمینی.
- [۳۲]. طبرانی، سلیمان بن أحمد (۱۴۰۹ق). مکارم الأخلاق، چاپ اول، بیروت، دارالکتب العلمیة.
- [۳۳]. طبرانی، سلیمان بن أحمد، (بی تا). المعجم الكبير، چاپ دوم، قاهره، مکتبه ابن تیمیة.
- [۳۴]. طوسی، محمد بن حسن، (۱۴۱۷ق). العدة فی أصول الفقه، چاپ اول، قم، نشر علاقبندیان.
- [۳۵]. عطیه، محی الدین، یوسف، محمد خیر رمضان، حنفی، صلاح الدین، (۱۴۱۸ق). دلیل مولفات الحدیث الشریف المطبوعه القدیمه و الحدیث، چاپ دوم، دار ابن حزم. عسقلانی، احمد بن علی، (؟). هدی الساری، دارمصر، قاهره.
- [۳۶]. فلیک، اوه، (۱۳۸۸ش). درآمدی بر تحقیق کیفی، چاپ دوم تهران، نشر نی.
- [۳۷]. کحلانی، محمد بن إسماعیل، (۱۴۳۲ق). التَّنْوِيرُ (شَرْحُ الْجَامِعِ الصَّغِيرِ)، محقق: دکتور محمد إسحاق محمد إبراهيم، چاپ اول، ریاض، مکتبه دارالسلام.
- [۳۸]. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، (۱۴۰۷ق). الکافی، چاپ چهارم، تهران، دار الکتب الإسلامیة.

- [۳۹]. کتانی، محمد بن ابی الفیض، (۱۴۲۱ق). الرسالة المستطرفة لبيان مشهور كتب السنة المشرفة، محقق: محمد المنتصر بن محمد الزمزمی، چاپ ششم، بیروت، دارالبشائر الإسلامية.
- [۴۰]. کیوی، ریمون، کامینهود، لوک وان، (۱۳۸۹ش). روش تحقیق در علوم اجتماعی، ترجمه‌ی عبدالحسین نیک‌گهر، چاپ پنجم، تهران، نشر توتیا.
- [۴۱]. مامقانی، عبدالله، (۱۴۱۱ق). مقباس الهدایة، چاپ اول، قم، مؤسسة آل‌البيت.
- [۴۲]. محمدی‌مهر، غلامرضا، (۴). روش تحلیل محتوا (راهنمای عملی تحقیق)، چاپ اول، تهران، دانش نگار.
- [۴۳]. مسعودی، عبدالهادی، (۱۳۸۹ش). روش فهم حدیث، چاپ پنجم، سمت و دانشکده علوم حدیث.
- [۴۴]. مسلم بن حجاج، (۴). صحیح مسلم، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- [۴۵]. معارف، مجید، (۱۳۸۷ش). شناخت حدیث (مبانی فهم متن - اصول نقد سند)، چاپ اول، تهران، انتشارات دانشگاه تهران و مؤسسه نبا.
- [۴۶]. مناوی، عبدالرئوف، (۱۴۱۵ق). فیض القدير شرح الجامع الصغیر، چاپ اول، بیروت، دارالکتب العلمیة.
- [۴۷]. موسوی اردبیلی، سید عبد‌الکریم (۱۴۲۷ق). فقه الحدود و التعزیرات، چاپ دوم، قم، انتشارات دانشگاه مفید.
- [۴۸]. موسوی خمینی، روح‌الله (۱۳۸۲ش). تهذیب الأصول، چاپ اول، قم، دار الفکر.
- [۴۹]. نادری، عزت‌الله، سیف‌نراقی، مریم، (۱۳۸۸ش). روش‌های تحقیق و چگونگی ارزشیابی آن در علوم انسانی با تأکید بر علوم تربیتی، چاپ پنجم، تهران، ارسباران.
- [۵۰]. نوری، حسین بن محمد تقی (۱۴۰۸ق). مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، چاپ اول، قم، مؤسسه آل‌البيت علیهم السلام.
- [۵۱]. هروی، محمد بن یوسف، (۱۳۸۷ش). بحر الجواهر (معجم الطب الطبیعی)، چاپ اول، قم، مؤسسه احیاء طب طبیعی.
- [۵۲]. همدانی، آقارضا بن محمد هادی (۱۴۱۶ق). مصباح الفقیه، چاپ اول، قم، مؤسسه الجعفریة لإحياء التراث و مؤسسة النشر الإسلامی.
- [۵۳]. هولستی، آل - آر، (۱۳۷۳). تحلیل محتوا در علوم اجتماعی و انسانی، ترجمه نادر سالارزاده امیری، چاپ اول، تهران، انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی.
- [۵۴]. واس، دی‌ای، (۱۳۸۹ش). پیمایش در تحقیقات اجتماعی، ترجمه هوشنگ نایبی، چاپ دوازدهم، تهران، نشر نی.